

پهلوی دوم و سرنوشت جزایر سه گانه

۱۳ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۳:۰۷

با توجه به جایگاه و ارزش ملی جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک، پژوهش‌های تاریخی و سیاسی و حقوقی درباره این جزایر نیز موضوعی حساس و با اهمیت به شمار می‌رود. پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد جزایر سه گانه انجام شده است بیشتر تلاشی برای بررسی دلایل در پیوند با مالکیت جزایر و نیز اشغال آنها به وسیله انگلیس و واکنش ایران به این اشغالگری بوده است.

در میان جزایر خلیج فارس سه جزیره ایرانی ابوموسی یا بوم سبزی، تنب بزرگ و تنب کوچک از نمادهای بارز عزم و اراده مردم برای پاسداری از تمامیت ارضی، استقلال و منافع ملی ایران بوده است. جزایر سه گانه گرچه از دیدگاه راهبردی و اقتصادی نیز مهم هستند، اما ارزش آنها برای ایران و ایرانیان بیش از هر چیز به خاطر جایگاه نمادینی است که از منظر نشان دادن همبستگی و اراده ملی برای نگرهبانی از تمامیت ارضی ایران داشته اند.

در تاریخ معاصر ایران موضوع حق حاکمیت ملی ایران بر جزایر سه گانه به خط قرمزی تبدیل شده که در عمل هیچ قدرت خارجی و نیروی سلطه‌گری را یارای تعرض به آن نیست و در افکار عمومی ایرانیان موضوع پاسداری از حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه مصداقی روشن از اراده ملی برای دفاع از وجوب و وجب خاک ایران شده و مقابله با هرگونه ادعا علیه حاکمیت ایران بر این جزایر، تکلیفی ملی و بیانگر پاسداشت غرور و حیثیت تاریخی ملت ایران است.

با توجه به جایگاه و ارزش ملی جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک، پژوهش‌های تاریخی و سیاسی و حقوقی درباره این جزایر نیز موضوعی حساس و با اهمیت به شمار می‌رود. پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد جزایر سه گانه انجام شده است بیشتر تلاشی برای بررسی دلایل در پیوند با مالکیت جزایر و نیز اشغال آنها به وسیله انگلیس و واکنش ایران به این اشغالگری بوده است. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در تازه ترین اثر انتشار یافته خود در جلد دوم تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک به قلم محمدعلی بهمنی قاجار به یکی از مهمترین و حساسترین مسایل در پیوند با منافع ملی ایران پرداخته است.

پژوهش حاضر افزون بر بررسی تفصیلی از اصول و دلایل حاکمیت تاریخی ایران بر جزایر سه گانه به دیدگاه کشورها و حکومت‌های عربی درباره این موضوع و به ویژه نگاه شیخ نشین‌های حاشیه جنوب خلیج فارس نسبت به آن هم به گستردگی پرداخته است.

این پژوهش، به یاری انبوه اسناد نشان داده که حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه در زمان خود در جهان عرب و به ویژه در میان مقامات مسئول در حکومت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس امری مسلم و بی شبهه بوده و شخصیت‌های مهم جهان عرب از جمله زمامداران و دولتمردان و مقامات دیپلماتیک کشورهای گوناگون عربی و البته بیش از همه مقامات مسئول در کشورهای

حاشیه خلیج فارس بارها به بیانی صریح و مشخص بر حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه اذعان داشته اند.

اسناد نویافته ای که برای اولین بار در این کتاب به چاپ رسیده اند ناگفته های بسیاری را درباره حاکمیت تاریخی ایران بر جزایر بازگو کرده اند. صدها سند رونمایی شده در این کتاب در برگیرنده مستنداتی محکم از حق حاکمیت ایران بر جزایر هستند که برای نخستین بار ارائه گردیده و در دسترس پژوهشگران قرار گرفته اند.

کتاب « تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی ؛ جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک » به روشنی نشان می دهد که شیخ نشین های جنوب خلیج فارس از قطر و دبی گرفته تا فجیره، عجمان و ام القوین و حتی ابوظبی و شارجه و رأس الخیمه نه ادعایی بر جزایر ایرانی داشتند و نه عنادی با تمامیت ارضی ایران، بلکه در مقاطع گوناگون به حاکمیت ایران بر جزایر اذعان داشته و حتی گاه برخی از آنان صادقانه در راه تداوم و حفظ این حاکمیت کوشا بودند.

اما آنچه که در برهه هایی منجر به طرح ادعاهایی علیه حاکمیت ایران بر جزایر از سوی برخی از شیخ نشین ها می شد، نه انگیزه و اراده طبیعی آنان بلکه اعمال فشار استعمار انگلیس و در پاره ای اوقات هم تهدیدات دولت های تندرو و افراط گرای عرب به ویژه نظام بعثی عراق بود. اما هنگامی که این اعمال فشارها و تهدیدات کم اثر می شد، شیخ نشین ها و دولت های حاشیه جنوب خلیج فارس نه تنها ادعایی علیه حاکمیت ایران بر جزایر مطرح نمی کردند، بلکه ضمن اذعان بر حق مالکیت ایران بر جزایر، تلاش می کردند تا پیوندهای خود با ایران را مستحکم تر سازند.

در برآیندی کوتاه از درون مایه کتاب « تمامیت ارضی ایران دوران پهلوی ؛ ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک » می توان گفت که در این کتاب به حاکمیت تاریخی ایران بر جزایر سه گانه خلیج فارس اشاره شده، اشغالگری انگلیس ها در جزایر و نقش حق العمل کاری شیوخ دست نشانده آنان مورد توجه قرار گرفته و اعتراض مداوم و بی وقفه ایران به اشغال جزایر مورد بررسی قرار گرفته است، به تلاش های پیاپی ایران برای آزادسازی جزایر پرداخته شده و مقبولیت و مشروعیت بین المللی اعاده حاکمیت ایران بر جزایر به طور مستند مطالعه شده است.

تصریح شیوخ جنوب خلیج فارس به حاکمیت ایران بر جزایر، نامه رسمی مقامات شارجه به ایران و اذعان این امارت به حاکمیت ایران بر ابوموسی، تقاضاها و پیشنهادات مکرر رأس الخیمه برای اعتراف به مالکیت ایران بر جزایر تنب در قبال کمک های مالی، پذیرش عملی حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه به وسیله امارات متحده عربی، همکاری عملی شارجه با حاکمیت مطلق ایران بر سرتاسر ابوموسی، مختومه بودن هرگونه ادعا علیه مالکیت ایران بر جزایر و سرانجام اعمال حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه و توسعه و سازندگی در این جزایر و به ویژه در ابوموسی از دیگر موارد مهمی هستند که در کتاب به آنها پرداخته شده است. از جمله مهمترین محتویات کتاب درج نامه نویافته ای از شیخ شارجه به مشاور حقوقی آمریکایی اش نورثکات ایلی است که در آن شیخ شارجه در فروردین ۱۳۵۰ به آمادگی خود برای اذعان به حاکمیت ایران بر ابوموسی در مقابل سهیم شدن شارجه در درآمد نفتی این جزیره اشاره کرده است. دیگر نکته مهم سخنان شیخ راس الخیمه و در خواستهای مکرر وی برای دریافت پول از ایران در مقابل اقرار این شیخ به حاکمیت ایران بر جزایر تنب است. در خواستهایی که با بی اعتنایی دولت ایران روبرو می شد. زیرا دولت ایران اصلاً شیخ راس الخیمه را داری حق و امتیازی در این جزایر نمی دانست که بخواهد در ازای شناسایی حاکمیت ایران بر تنب، پولی به وی اعطا نماید. نکته مهم دیگر، تاکید دولت ایران بر عدم هرگونه حاکمیت مشاع در ابوموسی پس از انعقاد یادداشت تفاهم ایران و شارجه است. دولت ایران با توجه به محتویات یادداشت تفاهم و ضمائم آن به ویژه ضمیمه چهارم. حاکمیت کامل و مطلق بر سرتاسر ابوموسی را بدیهی دانسته و منطقه حضور اتباع شارجه در ابوموسی را تنها منطقه حضور مهمانان ایران در

این جزیره می داند و ضمن تاکید بر حاکمیت مطلق و صد در صدی اش بر سرتاسر جزیره ابوموسی، در عمل نیز حاکمیت مطلق خود در جزیره را اعمال کرده است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۳۵۵/پهلوی-سرنوشت-دوم-پهلوی>